

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۲۷-۱۵۰

ریخت‌شناسی شورش‌های نان در عصر مظفری^۱

هاجر صالحی^۲

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

سهیلا ترابی فارسانی^۳

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

احمد کامرانی فر^۴

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

اعتراض‌های شهری از شاخصه‌های زندگی اجتماعی در دوره مظفرالدین‌شاه بود. بخش عمده‌ای از این اعتراضات را شورش‌های نان به خود اختصاص داده است. این شورش‌ها سبب ایجاد تحول در روابط حکومت و مردم شد. ریخت‌شناسی شورش‌های نان در عصر مظفری، به منظور درک و تحلیل عمیق‌تر اوضاع اجتماعی پیشامشروطه، موضوع اصلی این مقاله است که تلاش می‌شود به روش تاریخی و با شیوه توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع و مآخذ موجود بررسی شود. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که چه عواملی بر وقوع شورش‌های نان تأثیرگذار بوده، گروه‌ها و اقشار اجتماعی شرکت‌کننده در شورش‌ها چه کسانی بوده‌اند و تأثیرات این شورش‌ها چه بوده است. به نظر می‌رسد عوامل طبیعی هم چون قحط و خشکسالی و نیز عوامل انسانی هم چون احتکار غلات، سبب کمبود و گرانی نان و اتحاد مردم در برابر حکومت و وقوع شورش‌ها شده است. این شورش‌ها به الگوهایی برای مبارزه تبدیل شد و نظام حاکم را روز به روز بیشتر به چالش کشید و مردم را در پافشاری بر عملی شدن مطالباتشان استوارتر ساخت.

کلیدواژه‌ها: ریخت‌شناسی، شورش، نان، عصر مظفری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۶

۲. رایانامه: salehijahar@yahoo.com

۳. رایانامه (مسئول مکاتبات): tfarsani@yahoo.com

۴. رایانامه: kamranifar43@yahoo.com

مقدمه

از مهم‌ترین موضوعات تاریخ اجتماعی، در اواخر دوره قاجار، اعتراض‌های شهری وسیعی است که در این دوران شکل گرفته است. از اصلی‌ترین دلایل این اعتراضات، فشار اقتصادی بر مردم و در نتیجه تغییر ساختار اقتصاد سیاسی ایران بوده است. گسترش شهرهای بزرگ و افزایش جمعیت، تخصصی‌شدن تولید و صدور مواد خام، زوال نسبی صنایع سنتی، به‌کارگیری وسایل ارتباطی جدید، مانند تلگراف، میزان بالای تورم و کسری فلج‌کننده پرداخت‌های خارجی و در نتیجه انباشت وام‌های خارجی برخی از علل تغییر ساختار پیچیده اقتصاد سیاسی ایران بود.^۵ ساختار استبدادی حکومت و ظلم و ستم حاکمان محلی نیز باعث شدت گرفتن ناراضی‌ها و شکل‌گیری اعتراضات بوده است.

از میان اعتراضات شهری در عصر مظفّری، شورش‌های نان از اهمیت بسیار برخوردار است. ریشه این شورش‌ها و بحران نان را باید در دوره ناصری جست‌وجو کرد. در عصر ناصری نان غذای اصلی مردم ایران بوده است. بسیاری از طبقات مردم بدون مصرف نان گرسنه می‌ماندند. پولاک نان را غذای اصلی طبقه کارگر ایران می‌داند.^۶ بخش مهمی از تغذیه طبقات متوسط و متمکن را نیز نان تشکیل می‌داد. در این دوره و تحت تأثیر عوامل مختلفی هم‌چون وقوع قحط و خشکسالی و نیز احتکار غلات و آذوقه توسط دولت‌مردان و ثروتمندان، بحران نان شکل گرفت و مردم را به ازدحام در برابر دکان‌های نانوايي کشاند که سبب وقوع شورش‌های متعدد نان در این دوره شده و شهرهایی چون تهران، تبریز، فارس، یزد، کاشان و کرمان بارها با شورش نان مواجه گردیدند.

این شورش‌ها عمدتاً توسط عوامل حکومت ناصری سرکوب می‌گردید؛ اما حکومت به‌رغم سرکوب شورش‌ها، ناگزیر از اتخاذ تدابیری می‌شد که از گرانی و کمبود نان پیش‌گیری کند و یا پیامدهای آن را مدیریت نماید. ساخت انبارهای غله در تهران و ولایات

۵. کاتوزیان، ۱۰۰.

۶. پولاک، ۸۴.

به منظور پایین آوردن قیمت‌ها، منع صادرات گندم، مجازات محتکران و عزل والیان و حکام ولایات از اقدامات حکومت برای مدیریت و پیش‌گیری از شورش‌های نان در عصر ناصری بوده است.^۷ به نظر می‌رسد مردم به این نکته پی‌برده بودند که شورش‌های نان قدرت چالش آنان را با حکومت بالا می‌برد و سیمای موجه‌تری به اعتراضات آنان می‌بخشد. در نتیجه، دیگر مطالبات خود را نیز در سایه و بستر این موضوع مطرح می‌کردند؛ چنان‌که این شورش‌ها به یک مکانیسم اعتراضی تبدیل و بارها تکرار شد.

اگرچه بحران نان در عصر ناصری آغاز شد؛ اما در دوره مظفری شدت یافت. مدتی پس از به سلطنت رسیدن مظفرالدین‌شاه، قیمت نان افزایش چشم‌گیری یافت و تلاش‌هایی که در عصر ناصری برای مدیریت بحران نان انجام می‌شد، در این دوران صورت نگرفت. وقوع قحط و خشکسالی و احتکار توسط بزرگان، بر وخامت اوضاع افزود و ناراضی‌های ایجاد نمود و این ناراضی‌ها منجر به وقوع شورش‌هایی گردید که سرانجام به انقلاب مشروطیت انجامید.

از آن‌جا که بررسی تحولات اجتماعی ایران در اواخر دوره قاجاریه و پیش از وقوع انقلاب مشروطه در بازشناسی مباحث مربوط به تاریخ اجتماعی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است، در پژوهش حاضر برآنیم تا به روش ریخت‌شناسانه به بررسی شورش‌های نان در عصر مظفری بپردازیم. ریخت‌شناسی به مفهوم تعیین شکل درونی این شورش‌ها، عوامل تأثیرگذار بر وقوع آنها، خاستگاه اجتماعی و گروه‌های تأثیرگذار، تأثیرات و ارائه آمارهای مرتبط با آنها است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چه عواملی بر وقوع شورش‌های نان در عصر مظفری تأثیرگذار بوده است، گروه‌ها و اقشار اجتماعی شرکت‌کننده در شورش‌ها چه کسانی بوده‌اند؟ شورشیان چه خواست‌هایی را دنبال می‌کردند و این شورش‌ها چه تأثیراتی بر جای نهاده است؟

عمده پژوهش‌ها تنها به بررسی بحران نان در عصر ناصری پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب نان و سیاست تألیف دکتر مهدی میرکیایی. می‌توان گفت مقاله دکتر سهراب یزدانی با عنوان «اعتراضات شهری در دوره مظفری» تنها پژوهش قابل توجه درباره این دوره است که نویسنده مقاله ضمن اشاره به چند نمونه از شورش‌های شهری بر اهمیت بررسی این شورش‌ها در بازخوانی انقلاب مشروطه تأکید نموده است. پایان‌نامه خانم آزاده ایمن دوست نیز با عنوان «بحران نان در دوره مشروطیت»، به مسئله نان در دوران مشروطه پرداخته است. عمده مطالب این پایان‌نامه مربوط به تحولات پس از پیروزی مشروطه و استقرار نظام جدید توسط مردم است و دوره مظفری را به عنوان یک دوره خاص بررسی نکرده است. تا آن‌جا که نگارندگان مقاله حاضر اطلاع دارند، موضوع ریخت‌شناسی شورش‌های نان در عصر مظفری به طور مستقل و خاص بررسی نشده است و جای خالی چنین پژوهش‌هایی در این باره به چشم می‌خورد؛ بنابراین در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود به صورت خاص، شورش‌های نان در دوران مظفری بررسی و تحلیل شود.

عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شورش‌های نان در عصر مظفری

با قتل ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هـ مظفرالدین شاه قاجار در یکی از دوران‌های طوفانی حیات سیاسی ایران بر تخت سلطنت نشست. عبدالله مستوفی وی را «آدم بسیار خوب و پادشاه بسیار بد» معرفی می‌کند.^۸ احمد کسروی نیز به برخی از خصلت‌های نیک وی از جمله همراهی با مشروطه‌خواهان اشاره دارد و در همان حال نیز وی را فاقد استعداد و قاطعیت می‌داند.^۹

سلطنت مظفرالدین شاه قاجار شاهد مشکلات فراوانی بود که در اواخر عصر قاجار به وقوع پیوست. سفرهای پرهزینه و تجملی او به فرنگ، نیاز به استقراض خارجی برای تأمین

۸. مستوفی، ۱۲/۲.

۹. کسروی، ۲۱/۱.

هزینه‌های سفر، حکومت خودسرانه حکام ایالات و ولایات و بیکاری و تورم فزاینده سبب فشار اقتصادی بر مردم گردیده بود. در سال‌های نخست حکومت مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۴-۱۳۱۶هـ)، که مقارن با دوره رئیس‌الوزرای و صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله بود، اصلاحاتی هم‌چون تأسیس مدرسه رشدیّه و انجمن معارف، رواج مطبوعات، اصلاحات مالی و... صورت گرفت که با کارشکنی عوامل داخلی و دولت روسیه مواجه شد و عقیم ماند. فروش خالصه‌جات و قرض گرفتن از بانک روس نیز اوضاع را بهبود نبخشید و سبب فشار بر قشرهای فرودست شهری شده که همواره در معرض بیکاری و فقر بودند.

در عصر مظفّری قیمت نان - که قوت غالب مردم بود - تحت تأثیر عوامل متعدد و متنوع طبیعی، مدیریتی و اقتصادی، چون دوره قبل، افزایش یافت و نارضائی و شورش به دنبال داشت. اصلی‌ترین عواملی که بر گرانی نان تأثیرگذار بوده است عبارتند از: خشکسالی، سوء مدیریت و احتکار.

۱. خشکسالی

خشکسالی و کمبود نان در این دوره سبب نگرانی مردم می‌شد و آنان را به سمت انبار کردن گندم سوق می‌داد. اولین خشکسالی عصر مظفّری در سال ۱۳۱۵هـ رخ داد. عبدالله مستوفی در این باره می‌نویسد: «زمستان و بهار ۱۳۱۵هـ خشک بود. بعد از خرمن که در اوایل ۱۳۱۶هـ آغاز شد، قیمت گندم ترقی کرد و به ده دوازده تومان رسید».^{۱۰}

سال ۱۳۱۶هـ نیز خشکسالی ادامه یافت و سبب واردات گندم به ایران گردید. بنا بر گزارش ملک‌المورخین «در این سال در اغلب بلاد خشکسالی و غله کمیاب است و از بلاد روسیه گندم به ایران حمل می‌شود. از سمرقند گندم به تبریز می‌آورند».^{۱۱} در سال ۱۳۱۷هـ نیز قحط و خشکسالی در اکثر نقاط کشور رخ داد. ملک‌المورخین می‌نویسد: «در بیشتر

۱۰. مستوفی، ۴۳/۲.

۱۱. سپهر، ۳۰/۱.

ولایات ایران حال که جمادی الثانیه و دوم ماه پاییز است قحطی است. نرخ اجناس گران، در بعضی ولایات گندم صدمنی سی تومان جو بیست تومان است».^{۱۲}

۲. سوء مدیریت

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که در سال ۱۳۲۰ هـ. محصولات سال نو خوب و از میزان خشکسالی کاسته شده بود؛ اما عوامل دیگری چون بی‌نظمی حکومت و سوءمدیریت اشخاصی چون عین الدوله سبب وقوع شورش‌های نان در این سال و سال‌های بعدی شد.^{۱۳} کسروی نیز در تاریخ مشروطه این مسئله را تأیید نموده است و می‌نویسد: «سه چهار سال پیش از مشروطه را من خود به یاد دارم. این زمان بزرگ می‌بودم و گاهی به بازار می‌رفتم و انبوهی از زنان و مردان را در جلو دکان‌ها با دیده می‌دیدم. در سال‌هایی که از آسمان باران باریده و از زمین روییده و غله به فراوانی به دست آمده بود مردم نان را با رنج و اندوه به دست می‌آوردند».^{۱۴}

۳. احتکار

در عصر مظفری یکی از علل عمده کمبود نان در کشور، مسئله احتکار و زمین‌های خالصه پادشاه بود. زمانی که مظفرالدین شاه به سلطنت رسید، قافله‌ای از درباریان گرسنه با خود به همراه داشت که همه آنها به طور جدی خواستار آن بودند که املاک و مزارع سلطنتی میانشان تقسیم شود و شاه نیز قسمت عمده دهات و زمین‌های مزروعی خود را به آنها بخشید. در نتیجه، غلات و گندم‌هایی که قبلاً جزئی از املاک سلطنتی به شمار می‌آمد و قسمتی از آذوقه شهر تهران را تأمین می‌نمود، به انبار مالکان جدید رفت و در آنجا احتکار

۱۲. سپهر، ۴۵۰/۱.

۱۳. همو، ۶۵۸/۲.

۱۴. کسروی، ۱۴۲/۱.

شد تا پس از مدتی به قیمت‌های کلان به فروش برسد.

به نظر می‌رسد در میان عوامل تأثیرگذار بر قیمت نان، احتکار مؤثرترین عامل بوده و خشکسالی تنها اثر روانی داشته است؛ زیرا به محض بروز خشکسالی و کم شدن بارندگی مالکان و تجار و حتی برخی از خبازان دست به احتکار می‌زده‌اند. کسروی یکی از گرفتاری‌های زمان خودکامگی را انبارداری می‌داند و می‌نویسد: «همیشه دیه دارانی گندم و جو را نفروختندی تا نان کمیاب و گران شدی و آن‌گاه به بهای بیشتر فروختندی. این کار در سال‌های پیش از مشروطه در آذربایجان رواج بسیار یافته بود و بیشتر دیه داران از ملایان و اعیان و بازرگان‌ها به آن می‌پرداختند و دولت که می‌بایست جلوگیری نمی‌گرفت؛ زیرا خود محمدعلی میرزا دیه داشت و او نیز از گرانی غله بهره‌مند می‌گردید».^{۱۵}

در دوران ولیعهدی محمدعلی میرزا در آذربایجان، مردم از جهات بسیار در عذاب بودند. بخش وسیعی از املاک آذربایجان، متعلق به او و همسرش بود و چون غلات حاصل از این املاک را احتکار می‌کرد، مسئله گرانی، کمبود و آلودگی نان در آن ایالت همواره از مشکلات مردم بود و بارها به شورش اهالی گرسنه انجامید. سال ۱۳۲۴ هـ یکی از عوامل عمده شورش بزرگ مردم در مشهد احتکار گندم توسط حاکم بود^{۱۶} که سبب نارضایتی مردم و شورش می‌شد.

اسپرینگ رایس^{۱۷} در نامه‌های خصوصی خود می‌نویسد: «به امنای عالی رتبه کشور امر شده است نان ارزاق مورد نیاز تهران را به هر نحوی که شده است تأمین کنند؛ اما چون خود این افراد جزء همان مالکان زمین‌دار هستند که گندم خود را به قیمت‌های بالاتر احتکار کرده‌اند، اوامر شاه را بدین نحو اجرا می‌کنند که جلوی ورود گندم و جو را به تهران از دهات اطراف پایتخت می‌گیرند و گندم‌های متعلق به خودشان که از انبارها تل شده است به

۱۵. کسروی، ۱۴۰/۱.

۱۶. ناظم الاسلام کرمانی، ۳۱۹/۲.

بالاترین قیمت زمان قحطی می‌فروشد».^{۱۸}

مردم به غیر از ملاکین، برخی از علما را نیز در احتکار دخیل می‌دانستند. در اصفهان سال ۱۳۲۰ هـ مردم به خانه آقا نجفی حمله بردند و می‌خواستند انبارهای او را بشکافند و به خود او صدمه بزنند که ظل‌السلطان مانع شد.^{۱۹} در واقعه تبریز نیز مردم به خانه نظام‌العلما طباطبائی حمله‌ور شدند. در شورش سال ۱۳۲۱ هـ در خراسان هم پسر نایب‌التولیه در اغتشاشات به دست مردم کشته شد.^{۲۰} تا اواخر دوره مظفری، افزایش قیمت غلات که گاه تا ده برابر قیمت‌های معمول می‌رسید، وسوسه احتکار گندم را هم‌چون یک بیماری مزمن در میان طبقات صاحب سرمایه باقی گذاشت.

شورش‌های نان در عصر مظفری

کمبود نان و افزایش بی‌رویه قیمت آن سبب واکنش شهرنشینان شد. به‌گونه‌ای که تقریباً در تمامی سال‌های حکومت مظفرالدین شاه بر کشور، شاهد وقوع شورش‌های نان در نقاط مختلف ایران هستیم (جدول شماره ۱).

شورش‌های نان در عصر مظفری

شهر	تاریخ	شهر	تاریخ
تهران و ورامین	۱۳۱۶	مشهد	۱۳۲۱
قزوین	۱۳۱۶	تبریز	۱۳۲۱
تبریز	۱۳۱۶	تبریز	۱۳۲۳
تهران	۱۳۱۷	شیراز	۱۳۲۳
فسا	۱۳۱۷	بهبهان	۱۳۲۳
کردستان	۱۳۱۷	مشهد	۱۳۲۴

۱۸. اسپرینگ رایس، ۶۰.

۱۹. سپهر، ۹۵۸/۲.

۲۰. کسروی، ۱۴۱-۱۴۲.

تهران	۱۳۲۰	تهران	۱۳۲۴
اصفهان	۱۳۲۰		

جدول شماره ۱. اطلاعات جدول از منابع شماره ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۱ جمع‌آوری شده است.

بر اساس داده‌های جدول شماره ۱، در سال‌های نخست حکومت مظفرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۳۱۶هـ)، شاهد وقوع شورش‌های نان در هیچ شهری نیستیم، به نظر می‌رسد علت رفع گرانی نان به دلیل همراهی حکومت با خبازان و معاف کردن نان و گوشت از مالیات بوده است. افضل‌الملک در این باره می‌نویسد: «شاه زمانی که در دارالسلطنه تبریز جلوس کرد تلگرافی به اولیای دولت کرده مشعر به این‌که همان‌طور که شهنشاه شهید نَوَّرَاللهُ مَضْجَعَهُ در معافی مالیات گوشت و نان تهران امر و مقرر فرمودند ما نیز امضای آن امر را کرده که رعایا و اهل تهران آسوده باشند. وی سپس مالیات نان و گوشت آذربایجان را بخشید».^{۲۱}

این وضعیت در سال ۱۳۱۶هـ و در پی خشکسالی و بی‌کیفیت بودن محصول تغییر نمود. «نان در این سال به زحمت تحصیل می‌شد و آن هم بد و مخلوط از جو و گندم بود».^{۲۲} شاه که از خطر شورش مردم ترسیده بود، صدراعظم را جهت تنظیم عمل نان تحت فشار قرار داد و مابه‌التفاوت قیمت گندم را از خزانه تأمین نمود.^{۲۳}

با توجه به منابع، در سال ۱۳۱۶هـ و به دنبال وقوع خشکسالی و قحط در تهران، شاهد کمبود و شورش نان در شهر قزوین نیز هستیم. قزوین به علت نزدیکی به پایتخت و داشتن زمین‌های حاصل‌خیز، همیشه یکی از منابع مهم تأمین گندم تهران بوده است. در سندی در این رابطه آمده است: «... در این باب آسوده باشید که روزبه‌روز گندم از قزوین به

۲۱. افضل‌الملک، ۶/۲.

۲۲. سپهر، ۲۷۴/۱.

۲۳. همو، ۳۵۲/۱.

دارالخلافة خواهد رسید».^{۲۴} بنابراین می‌توان این‌گونه استناد کرد که وضعیت نان و گندم در تهران تأثیر مستقیمی بر شهر قزوین می‌گذاشت و در زمان بروز قحط در پایتخت، در قزوین نیز نان، گران و کمیاب می‌شد. محمد شفیع قزوینی ضمن اشاره به این وضع نوشته است: «به همان قدر که خبر اغتشاش نان تهران در آن ولایت (قزوین) انتشار یافت، آن ولایت را هم قدری به وحشت انداخت».^{۲۵} در سال ۱۳۱۶ هـ مردم قزوین به علت گرانی و کمبود نان شورش کردند. عین‌السلطنه در یادداشت‌های خود به تاریخ چهارشنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۳۱۶ از این شورش مردم قزوین یاد کرده است.^{۲۶}

در جمادی الثانی ۱۳۱۶ نان در تبریز نیز بسیار کم و نامرغوب شد. ابتدا دکان‌ها بسته شد و گروهی از مردم در بقعه امامزاده سید حمزه اجتماع کردند. روز بعد از بقعه بیرون آمدند و به خانه نظام‌العلماء طباطبائی حمله کردند، زیرا شایع شده بود که بیش از دیگران گندم احتکار کرده است. جمعیت ناراضی، خانه ثقة‌الدوله، منشی‌باشی ولیعهد، را نیز غارت کردند.^{۲۷}

خشکسالی و کمبود نان در تهران در سال ۱۳۱۷ هـ نیز ادامه یافت. با حکم دولت، گندم از عراق (اراک) و ساوه به تهران می‌آوردند که به جهت گران بودن امکانات حمل و نقل، سبب افزایش قیمت نان می‌گردید. هر خروار گندم به بیست تومان و حتی بیست و دو تومان افزایش قیمت یافت و مردم مجبور بودند یک من نان را دو قران خریداری کنند.^{۲۸} بنا بر قول ملک‌المورخین «بحران در این سال به گونه‌ای است که نانوایان می‌گویند امسال مردم از بی‌نایی یکدیگر را خواهند خورد».^{۲۹} سال ۱۳۱۷ هـ پایتخت به شدت درگیر شورش‌های نان

۲۴. ورجاوند، ۱۶۵۹/۳-۱۶۵۸.

۲۵. قزوینی، ۷۷.

۲۶. عین‌السلطنه، ۱۲۱۲/۲-۱۲۱۱.

۲۷. کسروی، ۱۴۲-۱۴۱.

۲۸. افضل‌الملک، ۳۹۳/۵.

۲۹. سپهر، ۴۰۸.

بوده است. شورش‌های این سال، در شهرهای فسا و کردستان نیز رخ داد (جدول شماره ۱). در شهر فسا در تاریخ چهارشنبه ۸ ربیع الثانی و چهارشنبه ۲۲ ربیع الثانی سال ۱۳۱۷ شورش نان رخ داد که با جوش و خروش زنان رنگ سیاسی به خود گرفت. در این واقعه که به کشته شدن تنی چند انجامید، حدود هزار زن به درب ارگ حکومتی شیراز آمدند و دست به رفتار خشونت‌آمیز زدند. هم‌چنین به تهران تلگراف زدند و در تلگراف خانه بست نشستند.^{۳۰}

در ماه صفر ۱۳۱۷ مردم کردستان شوریدند. در این سال قحط در کردستان به حدی بود که چندین روز نان پیدا نمی‌کردند و برگ درخت می‌خوردند؛ «چنان که زنی که به حسن و کثرت مو معروف کردستان بود و چند طفل داشت، از برای آنها نان پیدا نمود و ناچار گیس خود را مقرض کرد و به خانه‌ای برده به سه هزار و ده شاهی فروخت. پول را به بازار برد و نان نیافت. شورش مردم، حاکم شهر احتشام السلطنه را وادار نمود که گندم حاضر کند؛ چرا که مردم وی را تهدید کرده بودند که پول حاضر است باید گندم از هر جا ممکن است حاضر کنی والا ترا پاره پاره خواهیم کرد».^{۳۱}

در سال ۱۳۲۰ هـ در تهران زنان به علت کمی و گرانی نان شوریدند. اعتراض آنان به شاه به جایی نرسید و اعتراضشان به عین‌الدوله به خشونت و زدوخورد با مأموران انجامید،^{۳۲} چنان‌که منجر به تهدید عین‌الدوله به مرگ شد. در ربیع الثانی ۱۳۲۰، در اصفهان شورشی عام برای نان صورت گرفت؛ «مردم آقا نجفی را عامل گرانی نان می‌دانستند و می‌خواستند انبارهای او را بشکافند و به خود او صدمه بزنند. وی به ظل السلطان پناه برد و شاهزاده با پرداخت مابه‌التفاوت قیمت گندم به شورش پایان بخشید».^{۳۳} سال ۱۳۲۱ هـ نیز سالی

۳۰. وقایع اتفاقیه، ۵۷۹-۵۸۰.

۳۱. سپهر، ۴۰۳/۱.

۳۲. همو، ۶۵۹/۲.

۳۳. همو، ۹۵۸/۲.

پراشوب بود؛ به گونه‌ای که ملک‌المورخین در یادداشت‌های خود آورده است: «در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۱ اغلبی از ولایات ایران اغتشاش کامل است و هرج و مرج می‌باشد و دولت از تسکین آنها عاجز است».^{۳۴}

در این سال در مشهد نیز شورش بزرگی شکل گرفت. حکومت خراسان برعهده تیرالدوله بود. وی با هم‌دستی حکام گندم‌ها را احتکار می‌کرد. نان کمیاب شد و قیمت آن افزایش یافت. مردم نازاضی به خانه حاکم ریختند تا وی را بکشند. در این درگیری پسر نایب التولیه آستان قدس کشته شد و شهر مدتی در دست شورشیان بود. این شورش به عزل تیرالدوله انجامید.^{۳۵}

در ربیع‌الاول ۱۳۲۱ تبریز به سمت شورش رفت. کمبود و گرانی نان از علل اصلی این شورش بود؛ اما طغیان گسترش یافت و خواست‌های دیگری هم چون عزل امین‌السلطان از صدارت و تغییر رئیس گمرکات آذربایجان مطرح شد. ولیعهد با خرید پنج هزار تومان گندم و توزیع آن بین خبازان و با ایجاد اختلاف بین قشر تهیدست و بازرگانان آتش اعتراض را فرونشاند.^{۳۶}

در سال ۱۳۲۳ هـ بار دیگر به علت کمبود شدید نان در تبریز اغتشاش سختی رخ داد. در این سال شیراز نیز درگیر شورش نان شد. مردم شهر، بازارها را بستند و در حرم شاهچراغ بست نشستند. در این شورش به دستور نایب‌الحکومه حاکم جمعیت به توپ بسته شدند و شورش سرکوب گردید. در بهبهان نیز شورش نان به درگیری انجامید، ارگ حکومتی توسط شورشیان به آتش کشیده شد و عظام‌الممالک حاکم، به تهران فرار کرد.^{۳۷}

در اوایل سال ۱۳۲۴ هـ اعتراض به کمبود نان و مواد غذایی و بالا بودن قیمت‌ها

۳۴. سپهر، ۶۶۴/۲.

۳۵. یزدانی، ۳۸۴.

۳۶. همو، ۳۸۵.

۳۷. همو، ۳۸۶.

هم‌چنان پابرجا بود؛ چنان‌که در ماه صفر، زنان پایتخت سر راه شاه را گرفتند و به علت گرانی نان و گوشت از حاکم شهر شکایت کردند. عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات می‌نویسد: «همه شب اعلان و شب نامه بود به خانه‌ها انداخته، مردم را به جهاد و شورش سفارش و دعوت می‌کردند. گرانی نان، گوشت و سایر چیزها هم یک شرط عمده این اغتشاشات محسوب می‌شود».^{۳۸}

در سال آخر حکومت مظفرالدین‌شاه، آصف‌الدوله در خراسان حکومت می‌کرد و در احتکار گندم دست داشت. مردم به واسطه گران شدن نان و گوشت، در صحن مقدس تجمع نمودند. بازاریان و علما نیز به این شورش پیوستند. پیام علما به آصف‌الدوله برای اصلاح عمل نان و گوشت تأثیری نبخشید. مردم با حاج معاون‌الدوله درگیر و تعدادی کشته شدند. در نهایت آصف‌الدوله تلاش نمود با ایجاد تفرقه بین شورشیان اوضاع را آرام و شورش را سرکوب کند.^{۳۹}

گروه‌ها و اقشار شرکت‌کننده در شورش‌های نان

۱. زنان

زنان مهم‌ترین گروهی بودند که در شورش‌های نان شرکت داشته‌اند. زنان در دوره قاجار، در وضعیت نابسامانی به سر می‌بردند. نرخ سواد در میان آنها اندک بود؛ به گفته ویلز زنان فقط در میان طبقات متوسط باسواد بوده‌اند.^{۴۰} بیشتر زنان فرصت اندکی برای بیرون آمدن از خانه داشتند و به دلایل امنیتی شب‌ها از منزل خارج نمی‌شدند. با این همه، رفتن به بازار و مساجد و نیز دیدار فامیل به آنها فرصت می‌داد تا به مکان‌های عمومی بروند.^{۴۱}

۳۸. عین‌الدوله، ۱۶۷۶/۲.

۳۹. ناظم‌الاسلام کرمانی، ۳۲۱/۲.

40. Wills, 67.

۴۱. کسری، ۲۱۷.

با وجود محدودیت‌هایی که زنان در این دوره داشتند، شاهد حضور آنان در شورش‌های نان هستیم. از آن‌جا که آنها به دلیل داشتن حجاب، کمتر مورد هجوم فراش‌ها قرار می‌گرفتند و نیز به این دلیل که مسئول تهیه و تدارک خوراک خانواده بودند، هنگام قحط و خشکسالی به تظاهرات سیاسی می‌پیوستند. بسیار معمول بود که شورش‌هایی از طرف زنان آغاز شود و سپس تمام شبکه بازار و علما و سازمان‌های صنفی و خدماتی را درگیر کند. در منابع گوناگون، اشارات بسیاری درباره حضور زنان در شورش‌های نان موجود است. در خاطرات عین‌السلطنه از تظاهرات زنان و شکایت آنان درباره گرانی نان که منجر به دستگیری تعدادی از آنها شد، صحبت شده است.^{۴۲}

ملک‌المورخین در ربیع الاول ۱۳۱۷ می‌نویسد: «معروف است که عده کثیری از زن‌های تهران به سفارت روس به جهت عدم نان پناه برده‌اند».^{۴۳} هم‌چنین در جمادی الثانی ۱۳۱۷ زمانی که شاه خیال داشت برای تفرج به باغ دولت آباد رود، زنان زیادی در خیابان جمع شدند که جلو شاه را بگیرند و از گرانی نان شکایت کنند. این تجمع به درگیری و زدو خورد انجامید و یکی از زنان به حد مرگ کتک خورد.^{۴۴}

در فسا نیز، چنان‌که گفته شد، در سال ۱۳۱۷ هـ حدود هزار زن از بستگان مقتولان شورش نان و دیگران در برابر ارگ حکومتی شیراز تجمع کردند و پس از تلگراف به تهران در تلگراف‌خانه بست نشستند.^{۴۵}

در شورش مشهد نیز در سال ۱۳۲۴ به حضور زنان در کنار مردان اشاره شده است که آنان فریاد «الجوع الجوع گرسنه‌ام گرسنه‌ام، نان کو؟ گوشت کو؟ و پدر جان از گرسنگی

۴۲. عین‌السلطنه، ۱۳۳۳/۲.

۴۳. سپهر، ۴۱۵/۱.

۴۴. همو، ۴۵۱/۱.

۴۵. وقایع اتفاقیه، ۵۷۹-۵۸۰.

مُردم، مادر جان گرسنگی مرا کشت و ...»، سر می‌داده‌اند.^{۴۶} حضور زنان در شورش‌های نان تا پایان عصر مظفری ادامه یافت و در وقایع دوره مشروطه نیز به چشم می‌خورد.

۲. لوطی‌ها

لوطی‌ها تاریخی طولانی در فرهنگ و سیاست ایران دارند؛ اما شواهد حاکی از آن است که در این دوره جایگاه و مرام آنان از پیروان مجموعه‌ای از افکار متعالی مرتبط با فتوت و جوانمردی، به گروهی که معمولاً در پی آشوب و طراری بوده‌اند، تقلیل یافته بوده است.^{۴۷} با این حال، در شورش‌های نان، شاهد حضور این لوطی‌ها در کنار دیگر گروه‌ها هستیم. الواط شهر دکاندارها را مجبور به تعطیلی دکان‌های خود می‌کردند. با فراش‌ها درگیر می‌شدند و به تاراج می‌پرداختند. ملک المورخین در شورش زنان پایتخت در سال ۱۳۱۷ هـ از حضور لوطیان در این شورش یاد کرده است.^{۴۸} به نظر می‌رسد فعالیت‌های لوطیان و حضورشان در شورش‌های نان، بهانه‌ای جهت چالش با قدرت حاکم یا حتی خود شخص شاه بوده - است.^{۴۹}

۳. روحانیون و بازاریان

از دیگر گروه‌هایی که در شورش‌ها حضور داشتند، روحانیون و بازاریان بودند. آنان در تمامی تحولات سیاسی و اجتماعی دوران قاجار حضور پررنگی در کنار یکدیگر داشته‌اند. هنگامی که بازاریان به دلیل گرانی نان، کساد بازار و رکود دادوستد به ستوه می‌آمدند، با روحانیت همکاری می‌کردند و با سلطه خودکامانه حکومت به تقابل برمی‌خاستند و چون

۴۶. ناظم الاسلام کرمانی، ۳۱۹/۲.

47. Lambton, 18-19.

۴۸. سپهر، ۵۱۲/۱.

49. Busse, 357.

خود صاحب قدرتی برای مصاف با آن نبودند، زیر چتر علما قرار می‌گرفتند. این پیوند اجتماعی و عقیدتی موجب می‌شد که بازاریان و علما در جهان‌بینی و سبک زندگی تا اندازه‌ای به هم شباهت یابند.^{۵۰} نزدیکی بازار و مسجد، امکانات لازم را برای برپایی بسیاری از گردهمایی‌ها مهیا می‌کرد. بازاریان به پشتوانه روحانیت مردم را با خود همراه می‌نمودند و با تعطیلی بازار موجبات فشار بر حکومت را فراهم می‌ساختند. حضور بازاریان در کنار روحانیت در شورش‌های نان عصر مظفری مشهود است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

در سال ۱۳۱۶هـ در آذربایجان نان کمیاب شد. سید محمد یزدی در مساجد و روضه‌خوانی‌ها منبر می‌رفت و از انبارداران بدگویی می‌کرد. در نتیجه فعالیت‌ها و سخنرانی‌های وی بازارها بسته شد و به شورش انجامید.^{۵۱} در شورش سال ۱۳۲۰هـ در پایتخت هم زمانی‌که بازاریان از دستگیری تعدادی از علما مطلع شدند، اقدام به بستن دکاکین خود نمودند. در این شورش بسیاری از کسبه و تجار به حرم حضرت عبدالعظیم رفتند و اعتراض کردند. در نهایت شاه با سید عبدالله مجتهد مذاکره کرد و با پذیرش خواسته‌های وی غانله را خاتمه بخشید.^{۵۲}

در مشهد سال ۱۳۲۴هـ همراهی وسیعی بین طلاب و برخی از روحانیون با کسبه شکل گرفت. پس از این‌که همه طلاب جمع شدند و کسبه و اهل بازار دکاکین خود را بستند و به حالت اجتماع به طرف خانه‌های علما راهی شدند، آصف‌الدوله برای حل مشکل گندم و نان تحت فشار قرار گرفت.^{۵۳}

در نتیجه می‌توان گفت در شورش‌های نان، شاهد اتحاد اقشار مختلف شهرنشینان با

۵۰. اشرف، ۱۲۴.

۵۱. کسروی، ۱۴۱-۱۴۲.

۵۲. سپهر، ۸۹۸/۲-۹۰۰.

۵۳. ناظم‌الاسلام کرمانی، ۳۲۱/۲.

یکدیگر هستیم؛ اما عمده شورش‌ها از طرف زنان آغاز شده است. نگرانی آنان برای تأمین خوراک خود و فرزندانشان و نیز رعایت حرمت حجاب آنان از سوی فرایشان حکومتی باعث حضور جدی آنها در این شورش‌ها می‌شد. پس از زنان نقش علما و روحانیون و بازاریان در کنار یکدیگر در شورش‌ها مشهود است و پس از اینها گروه‌هایی چون لوطیان نیز به دلیل ارتباطاتی که با روحانیت یا بازاریان داشتند و یا به منظور پیگیری اهداف و مقاصد گروهی خود، به این شورش‌ها می‌پیوستند.

واکنش حکومت به شورش‌های نان

پس از وقوع شورش‌های نان، حکومت به فکر می‌افتاد تا چاره‌ای اندیشد و از شرایط بحرانی خارج شود. نخستین واکنش حکومت به شورش‌ها سرکوب بوده است. آمارها نشان می‌دهد که در شهرهای زیر شورش‌ها سرکوب شده‌اند (جدول شماره ۲).

شورش‌های نان سرکوب شده توسط حکومت در عصر مظفری

شهر	تاریخ
تهران	۱۳۱۶
فسا	۱۳۱۷
تهران	۱۳۱۷
تهران	۱۳۱۸
تهران	۱۳۲۰
شیراز	۱۳۲۳
مشهد	۱۳۲۴

جدول شماره ۲. اطلاعات جدول از منابع شماره ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۱ جمع‌آوری شده است.

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲ عمده شورش‌ها در پایتخت سرکوب شده است. با وجود این، حکومت پیوسته احساس خطر می‌نمود؛ چراکه در جریان این

شورش‌ها موجودیت حکومت در معرض خطر قرار می‌گرفت و به شاه و دیگر درباریان توهین می‌شد. در جریان شورش‌ها، شعارهایی شنیده می‌شد که حکومت را در معرض تهدید قرار می‌داد و اسباب نگرانی شاه و دولت‌مردان را فراهم می‌کرد.^{۵۴} این نگرانی‌ها سبب می‌شد تا حکومت دست به اقداماتی هم‌چون تسعیر (پرداخت مابه‌التفاوت قیمت نان/پارانه) نان بزند تا از میزان نارضائی‌ها بکاهد؛ مثلاً «در سال ۱۳۱۶ هـ زمانی که قیمت هر خروار گندم به بیست تومان رسید، شاه دستور داد گندم را از ملاکین به خرواری بیست تومان بخرند و به نانوایان داده، از آنها خرواری ده تومان بگیرند؛ که نان از قرار یک من یک هزار به فروش رسانند و از هر خرواری که ده تومان دیگر باقی می‌ماند تاوان آن را دولت بدهد. در نتیجه این کار تقریباً دولت ایران دویست هزار تومان در توفیر [تفاوت] قیمت گندم رعایت کرد که نان ارزان به فروش برسد».^{۵۵} هم‌چنین در سال ۱۳۱۷ هـ «زمانی که خشکسالی رقم خورد و آسمان خشکی کرد، اقدامات صدراعظم در تعیین نرخ مجلس انتظام نرخ و بذل و عطای شاهانه به خبازان کاری کرد که نگذاشت گرانی نان از تهران به سایر بلدان سرایت کند».^{۵۶}

اقدام به تسعیر نان و غلات و پرداخت مابه‌التفاوت قیمت نان و غله

شهر	تاریخ
تهران و ورامین	۱۳۱۶
تبریز	۱۳۱۶
تهران	۱۳۱۷
قم و کاشان	۱۳۱۷
کردستان	۱۳۱۷
کاشان	۱۳۲۰

۵۴. مستوفی، ۴/۲.

۵۵. افضل‌الملک، ۲۸۹/۴.

۵۶. همو، ۱۳۹۳/۵.

اصفهان	۱۳۲۰
تبریز	۱۳۲۱
تهران	۱۳۲۴

جدول شماره ۳. اطلاعات جدول از منابع شماره ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۱ جمع‌آوری شده است.

از جدی‌ترین واکنش‌های حکومت در برابر شورش‌های نان، عزل حکام و دیوانیانی بود که در گرانی نان و وقوع شورش‌ها دست داشتند (جدول شماره ۴). سال ۱۳۱۶ هـ در قزوین شورش مردم باعث عزل حاکم گردید.^{۵۷} در جمادی الاخری ۱۳۱۶ در تبریز نیز شاهد عزل حاکم پس از شورش مردم هستیم.^{۵۸} در شورش نان در سال ۱۳۱۷ معاون‌الدوله وزیر تجارت، سالارالملک وزیر پلیس، حاجی حسین آقا امین دارالضرب و آقا سید کاظم سرتیپ قورخانه عزل شدند.^{۵۹}

حکام و دیوانیان معزول در شورش‌های نان در عصر مظفری

نام	تاریخ	شهر	سمت
صدق‌الدوله	۱۳۱۶	قزوین	حاکم
نظام‌العلما طباطبائی	۱۳۱۶	تبریز	معمد
حسنعلی خان امیر نظام	۱۳۱۶	تبریز	حاکم
معاون‌الدوله	۱۳۱۷	تهران	وزیر تجارت
سالارالملک	۱۳۱۷	تهران	وزیر پلیس
حاجی حسین آقا	۱۳۱۷	تهران	امین دارالضرب
آقا سید کاظم	۱۳۱۷	تهران	سرتیپ قورخانه

۵۷. عین السلطنه، ۱۲۱۱/۲-۱۲۱۲.

۵۸. سپهر، ۳۵۴/۱.

۵۹. همان، ۵۱۱-۵۱۲.

حاکم	مشهد	۱۳۲۱	نیرالدوله
حاکم	بهبهان	۱۳۲۳	عظام‌الممالک

جدول شماره ۴. اطلاعات جدول از منابع شماره ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰ و ۱۱ جمع آوری شده است.

با توجه به جدول شماره ۴، در تهران شاهد عزل حاکم نیستیم، بلکه عمدتاً دیوانیان عزل می‌شدند؛ در حالی که در شهرهای کوچک‌تر هم چون تبریز، مشهد، بهبهان و قزوین، به منظور فروکش کردن نارضائی‌ها حکام عزل می‌شدند.

تأثیرات شورش‌های نان

مردم در جریان شورش‌های نان مقابله با حکومت را آزمودند و پیروزی در این شورش‌ها به جرأت و اعتماد به نفس آنان در مقابله با کل حاکمیت قاجار افزود. در ماه رجب ۱۳۱۷ جمعی از زنان طهران به جهت کمی نان به خانه حاکم رفتند و با دشنام بر او فریاد زدند که «اگر حکومت نمی‌توانی بنمایی به ما واگذار، از تو بهتر حکومت می‌کنیم و عمل نان را منظم».^{۶۰} این تهدیدها به تدریج متوجه شخص شاه شد و مشروعیت حکومت وی را زیر سؤال بردند. در جریان شورش‌ها مردم در کوی و برزن با خواندن اشعاری هم‌چون «آبجی مظفر چرا نون گرونی؟ آبجی مظفر چرا گوشت گرونی؟»^{۶۱} با صراحت به شاه توهین می‌کردند. در مشهد نیز مردم، شعار «خدایا تخت سلطنت را سرنگون کن»^{۶۲} سر می‌دادند. به نظر می‌رسد مردم حکومت استبدادی شاه را تا زمانی تحمل می‌کرده‌اند که حداقل نیازهای معیشتی آنان برآورده شود.

کمبود نان را می‌توان از عوامل زمینه‌ساز طغیان و شورش مردم، علیه نظام موجود آن

۶۰. سپهر، ۱/۴۵۶.

۶۱. مستوفی، ۲/۴۴.

۶۲. سپهر، ۲/۱۰۴۲.

زمان دانست. آنها دریافته بودند که شورش‌های نان، قدرت چالش با حکومت را بالا می‌برد و سیمای موجهی به اعتراض‌ها آنان می‌دهد و آنان را قادر می‌سازد که سایر مطالبات خود را در بستر این شورش‌ها مطرح کنند.

در نتیجه، این اعتراض‌ها به الگوهایی برای مبارزه مبدل و سبب شد در شهرهای مختلف که درگیر شورش‌های نان بودند از جمله تهران، تبریز و قزوین، مسئله نان اهمیت یابد و به یکی از اهداف قیام مشروطه تبدیل شود؛ چنان‌که در ۲۴ شعبان ۱۳۲۴، روزی که نمایندگان تهران در حضور بهبهانی به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله صدراعظم معرفی شدند، مسئله نان و حل مشکل آن جزو درخواست‌های وکلا از مشیرالدوله بود.^{۶۳}

اهمیت این موضوع را می‌توان از سخنان شیخ سلیم واعظ تبریزی در آستانه مشروطه که در سخنرانی‌هایش نوید فراوانی گوشت و نان را در حکومت مشروطه می‌داد، دریافت: «این مرد شیخ سلیم چه در این هنگام و چه پس از آن با زبان ساده روستایی سخن گفته و داستان کمیابی نان و گرانی گوشت را به میان آوردی و نویدها دادی که چون مشروطه باشد نان فراوان و گوشت ارزان در دسترس همگی خواهد بود».^{۶۴} همو می‌نویسد: «امروز با دستور محمدعلی میرزا در دکان‌های نانوائی چراغ روشن گردانیده و بهای نان را کم کردند. چون سال‌ها در آذربایجان نان گران و کمیاب و خود مایه دل‌آزرده‌گی مردم شده بود؛ محمدعلی میرزا می‌خواست با کاستن از بهای آن از مردم دل‌جویی کند و از گرایش ایشان بکوشندگان جلو گیرد... به محمد علی میرزا پاسخ دادند درخواست ما ارزانی نان نیست ما مشروطه می‌خواهیم».^{۶۵}

در حقیقت با بررسی علل وقوع انقلاب مشروطه به این نتیجه می‌رسیم که علل درازمدت انقلاب در سده نوزدهم ریشه داشت؛ اما دلایل کوتاه مدت آن به واسطه بحران

۶۳. کاتوزیان، ۳۲۸.

۶۴. کسروی، ۱۵۷/۱-۱۵۸.

۶۵. همان.

اقتصادی و تورم به شدت فزاینده آغاز شد. سال ۱۳۲۴هـ، ناتوانی دولت در حل مسائل اقتصادی، از جمله معضل نان، درگیری با بازاریان، واگذاری گورستانی در تهران به بانک استقرانی روس و ... پی‌آمدهای ناشی از آنها عملاً راه را برای اعتراض‌های سراسری هموار و زمینه را برای صدور فرمان مشروطیت مهیا ساخت.

نتیجه

اعتراض‌های شهری یکی از شاخصه‌های زندگی اجتماعی در عصر مظفرالدین‌شاه قاجار است. بخش عمده این اعتراضات در این دوره را شورش‌های نان به خود اختصاص داده است. در دوره ده ساله سلطنت مظفرالدین شاه تقریباً در تمامی سال‌ها، شاهد وقوع شورش‌های نان در شهرهای مختلف ایران هستیم. زمانی که قیمت نان تحت تأثیر عوامل طبیعی، مدیریتی و احتکار افزایش می‌یافت، شورش‌های نان به وقوع می‌پیوست. در این شورش‌ها، روحانیان، پیشه‌وران، بازاریان و لوطیان شرکت داشتند؛ اما زنان در این اعتراضات و مقابله‌های گاه خشونت‌آمیز نقش چشم‌گیری داشتند. بررغم سرکوب این شورش‌ها و اعمال برخی اقدامات توسط حکومت در رفع علل گرانی نان، این اعتراضات تداوم یافت و به تدریج رویکرد مردم از خواست‌های معیشتی به انتقادات جدی از حکومتیان و شخص شاه تغییر جهت داد و در پی هم‌بستگی گروه‌های مختلف مردمی و پافشاری در تحقق مطالبات خود حکومت و شاه را ناگزیر از تشکیل عدالت‌خانه و صدور فرمان مشروطه ساختند.

کتابشناسی

- اسپرینگ‌رایس، آرتور، نامه‌های خصوصی وزیر مختار انگلیس در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵ ش.
- اشرف، احمد و علی بنوعزیزی، طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۳ ش.
- افضل الملک، غلامحسین، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ ش.
- سپهر، عبدالحسین، مرآت الوقایع مظفری (یادداشت‌های ملک المورخین)، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵ ش.
- عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۶ ش.
- قزوینی، محمد شفیع، قانون قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۷۰ ش.
- کاتوزیان، محمدعلی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ ش.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام محمدرضا حسن بیگی، تهران، انتشارات دبیر، ۱۳۸۹ ش.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
- کسری، نیلوفر و خسرو معتضد، زن در عصر قاجار در سیاست و حرمسرا، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۹ ش.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از سلطنت مظفرالدین شاه تا قرارداد وثوق‌الدوله با انگلیس)، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۸۸ ش.
- میرکیایی، مهدی، نان و سیاست (تأثیر بحران‌های نان بر سیاست و اقتصاد در عصر ناصری)، تهران، نشر علم، ۱۳۹۴ ش.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان، خاطرات حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۶ ش.
- ورجاوند، پرویز، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷ ش.
- وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۲ تا

۱۳۲۲)، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، جامی، ۱۳۷۶ ش.
یزدانی، سهراب، «اعتراض‌های شهری در عصر مظفری»، همایش یکصدمین سالگرد انقلاب
مشروطیت، مرداد ماه ۱۳۸۵.

Busse, Heribert, *History of Persia under Qajar Rule*, New York,
1973.

Lambton, A. K. S, *Islamic Society in Persia*, Oxford, 1954.

Wills, CJ, *In the Land of Lion and the Sun*, London, 1883.